

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ جون ۲۰۲۱

اهداف "کرزی" از "روسیه گرائی"!

(۳)

شنبه- ۵ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: به ادامه گذشته:

و اما این که "روس گرائی" های "حامدکرزی" آیا صادقانه، آزمندانه و ستراتیژیک است و یا تکتیکی و فریبکارانه باید نوشت:

۲- احتمال دوم این که "روس گرائی" های "حامدکرزی"، غیر صادقانه، تکتیکی و به غرض تحریک طرف مقابل روس یعنی امریکا و شرکاء باشد.

نقطه حرکت از چنین احتمالی احمق دانستن و بی خبر دانستن طرفهای مقابل یعنی هم امریکا و هم روس، و پربها دادن به خود است. در چنین فرضی "حامدکرزی" و باند پشت سرش چنان می پندارند که خود عقل کل و آگاه از تمام رمز و راز سیاست و طرفهای مقابل آدمک های "ابجدخوان" و بی اطلاع از سیاست و فاقد شناخت لازم و کامل از این "عجوبه های دوران" اند. بر مبنای چنین طرز تفکری، آنها فکر می کنند که جهت ترغیب امریکا به ماندن در افغانستان که ضامن بقاء و حافظ منافع طبقاتی این هاست، می خواهند گرایشاتی به جانب روس از خود نشان دهند، تا امریکا مجبور شود از ترس رفتن این "مرغک هائی که تخم طلائی می گذارند"، ضمن ماندن در افغانستان، مجدداً سرخریطه را باز بگذارند تا اینها از آن برداشت لازم نمایند.

هموطنان گرامی!

هرچند چنین تکتیکی در پرنسیب نمی تواند منتفی باشد مگر به ارتباط افغانستان هیچ گونه بستر و زمینه ای برای آن وجود ندارد، زیرا:

*- کاربرد و استفاده از چنین تکتیکی در نخستین گام، عدم اطلاع دوطرف از ماهیت، کیفیت و کمیت طرف بازیگر است. یعنی وقتی چنین بازی مغلقی آغاز می گردد، بازیگر نباید از لحاظ ذهنی و شخصیتی شناخته شده و قابل پیشبینی باشد. در چنین صورتی احتمال این که یکی از دو ضلع دیگر مثلث به دام بازیگر بیفتد، از امکان و احتمال بیرون نیست. مگر ما می دانیم که چنین امری بین زعمای افغانستان اصلاً در ذهن نمی گنجد. چه آنهایی که امروز زمان امور کشور ما را در دست دارند، خود گدیگک هائی اند که به وسیله استعمار ساخته شده و استعمار قادر است آنها را چنان

بشناسد و آن زوایائی از شخصیت و کرکتر آنها را بداند که تا هنوز خود اینها متوجه آن زوایا نشده اند، بر همین مبنا هیچ چانسی برای بازیگر باقی نمی ماند.

*- نکته دوم فقدان رقیب برای بازیگر حد اقل در حد یک و یا دو تن. یعنی وقتی "رجب طیب اردوخان" بین روس و امریکا مانور می دهد، گذشته از این که خودش تا چه حدودی برای روس و امریکا شناخته شده است و یا نیست، رقیبی برای خود در تمام ترکیه باقی نگذاشته تا طرفهای بازی با امید آنها "اردوخان" را جدی نگیرند. در حالی که در افغانستان طیف جواسیس تکنوکرات و داعیان اسلام سیاسی که حاضر به فروش میهن و پذیرش رقیب و بردگی استعمار اند چنان طویل است که هرگاه نیروهای استعماری به نوبت از هریک برای یک سال استفاده نماید، تا یک قرن نیاز به استفاده مجدد از یک بازیگر نمی گردد.

هموطنان گرامی!

با در نظر داشت هردو احتمال و امکان هم از بعد ستراتیژیک و هم از بعد تکنیک، تلاشها و مانور های روسگرایانه "کرزی" چیزی به جز خود فریبی و بین رقبای داخلی جولان دادن، هیچ معنا و مفهومی ندارد، بالخاصه وقتی دیده می شود که امریکائی ها نیز به حرفش "پیاز پوست نمی کنند" تا چه رسد به اتخاذ یک سیاست جدید، می تواند ادامه چنین بازی هائی وی را به همان سرنوشتی دچار سازد که در افغانستان و خارج از افغانستان، چنین بازیگرانی بدان مواجه شدند، یعنی مرگ زود رس.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتنجای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!